



درگذشت عکاس با سابقه

پیکر علی رئیس شقافی، از هنرمندان با سابقه عکاسی که روز جمعه دهم اسفندماه درگذشت، یکشنبه دوازدهم اسفندماه به خاک سپرده می شود. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، رئیس شقافی از هنرمندان مطرح و شناخته شده ایرانی بود و در حوزه عکاسی تبلیغاتی شاگردان بسیاری در ایران تربیت کرد. او فرزند منصوره اتابکی از شاعران شناخته شده ایران بود و در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد. رئیس شقافی که شاگردان و دوستدارانش او را رئیس می خواندند، پس از پایان تحصیلات تکمیلی در اتریش به ایران بازگشت و از پیشروان عکاسی صنعتی و تبلیغاتی در سال های نخست پس از انقلاب بود. این هنرمند که دارای نشان درجه یک هنری و موسس نگارخانه و آموزشگاه «خارک» بود، پس از یک دوره بستری در بیمارستان ایرانمهر تهران، سرانجام پیش از ظهر جمعه دهم اسفندماه، چشم از جهان فرو بست. پیکر او صبح روز یکشنبه دوازدهم اسفندماه در قطعه ۱۸ بهشت زهرا در کنار آرامگاه مادرش خاکسپاری می شود.



واکنش ها به حذف از نمایشگاه

ماجرای حذف کتابفروشان از نمایشگاه کتاب تهران، موجب انتقاداتی از سوی کتابفروشان نسبت به اتحادیه های صنفی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده است و بسیاری این تصمیم را پاک کردن صورت مسئله عنوان کرده اند. تسنیم ضمن اعلام این خبر نوشت، ناشران عمدتاً موافق این تصمیم شورای سیاست گذاری نمایشگاه هستند اما کتابفروشان که در دو دوره اخیر توانسته بودند پس از سال ها انتقاد به تأثیرات منفی این رویداد بر اقتصاد خود در ماه های پیش و پس از برگزاری اش، به نمایشگاه راه پیدا کنند، با این تصمیم مخالف هستند. اگر چه هنوز علت دقیق حذف کتابفروشان از نمایشگاه کتاب تهران مطرح نشده است، اما به نظر می رسد چالش عرضه کتاب با چند قیمت متفاوت و وصل نبودن کتابفروشی ها به سامانه نمایشگاه مجازی که منجر به لغو تعدادی از سفارش ها می شد، مهمترین دلایل اعضای شورای سیاست گذاری برای اخذ این تصمیم بوده است. باید دید در روزهای آینده آیا تصمیم شورای سیاست گذاری برای حذف کتابفروشان از نمایشگاه پیش رو تغییری می کند یا نه؟



واکنش کاپولا به تمسک طلائی

فرانسیس فورد کاپولا، به معرفی خود به عنوان بدترین کارگردان سال هالیوود در جوایز سالانه تمسک طلائی، واکنش نشان داد و گفت که تعداد کمی جسارت مقابله با جریان غالب فیلمسازی معاصر را دارند. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، در چهل و پنجمین دوره جوایز تمسک طلائی برای معرفی بدترین های سال هالیوود، فیلم «مگالوپولیس» پروژه ۱۲۰ میلیون دلاری فرانسیس فورد کاپولا، تمسک طلائی بدترین کارگردانی و بازیگر مکمل مرد (جان ویت) را دریافت کرد. فرانسیس فورد کاپولا، کارگردان افسانه ای سینما، با انتشار پستی در اینستاگرام از دریافت چندین نامزدی تمسک طلائی (از بری) برای فیلم علمی تخیلی اش «مگالوپولیس» ابراز خوشحالی کرد. او این نامزدی ها را نشانه شجاعت خود در خلاف جهت جریان اصلی سینما دانست و از همکاری اش برای ساخت این اثر هنری تقدیر کرد. کاپولا نوشت که جایزه تمسک طلائی برای او یک افتخار ویژه است، چرا که تعداد کمی جسارت مقابله با جریان غالب فیلمسازی معاصر را دارند.



دیوانگان  
صحنه

درخشش هنرمندان خارج از پایتخت  
در جشنواره تئاتر فجر بار دیگر یاد آور  
جنون آن ها به هنر نمایش  
در غیاب هرگونه حمایت دولتی است

برخوردی که او اعتراضش را نسبت به آن با این جمله نشان می دهد: «شما در ۳۶۵ روز سال تنها یک بار و نهایتاً ۱۰ روز میزبان اهالی تئاتر مقیم بیرون از تهران هستید و آیا موظف نیستید این یکبار در سال، احترام آن ها را نگه دارید و این کار را بی منت انجام دهید؟» علی پور با اشاره به این که از این گروه ها تنها برای روی صحنه بردن اثر خودشان در جشنواره دعوت می شوند و در روزهای پیش و پس از آن امکانی برای اسکان آن ها در تهران و تماشای آثاری که در جشنواره اجرا می شود وجود ندارد، می افزاید: «در این میان بحث آموزش چه می شود؟ آیا نباید برای من کارگردان، گروه بازیگران و عوامل اجرایی ام فرصتی برای تماشای دیگر آثار فراهم شود؟ در واقع بازیگر من با هر دانش احتمالی که از من به عنوان کارگردان آموخته است در جشنواره شرکت می کند و پس از جشنواره نیز باز تنها مرا به عنوان منبع آموزشی در اختیار دارد. در حالی که باید بتواند در جشنواره بازیگری، کارگردانی، نمایشنامه نویسی، طراحی صحنه، دکور، نور، لباس، موسیقی و... ببیند و مرا برای اجرای بعدی مان یاری دهد در حالی که چنین امکانی نه برای او، نه برای من فراهم نمی شود. ضمن این که ما از امکان آموختن مستمر برخوردار نیستیم و این جاست که باید پرسید چرا نباید تهران برنامه ای برای آموزش تئاتر به هنرمندان استان های گوناگون داشته باشد و چرا نباید شرایط و امکانات چنین آموزشی از سوی تهران در استان های گوناگون فراهم شود؟»

علی پور با ذکر مثالی به شرکت نمایش «بیجن» در نهمین جشنواره ملی تئاتر ایثار- رویدادی که از ششم تا دهم اسفندماه به مدت پنج روز در هشت سالن حوزه هنری و مدارس شاهد تهران برگزار شد- اشاره می کند و می گوید: «ما از خواسته شد هشتم اسفندماه به تهران بیایم، نهم اسفندماه روی صحنه برویم و دهم اسفندماه به گچساران بازگردیم. از این اتفاق تأسفبار که در جشنواره تئاتر فجر نیز رخ می دهد، بگذریم که چرا یک گروه نمایشی نباید در تمام طول مدت برگزاری جشنواره ای که در آن شرکت کرده است، در شهر محل برگزاری حضور داشته باشد و به تماشای سایر آثار بنشیند. سقف ورودی این جشنواره ۸۰ میلیون تومان است، در حالی که من برای حضور ۱۴ بازیگر و عوامل اجرای زنده نور و موسیقی که در مجموع گروهی ۲۰ نفره را شکل می دهند در تهران، تنها باید ۱۴۰ میلیون تومان هزینه ایاب و ذهاب پرداخت کنم. این جدا از هزینه ای است که باید برای انتقال دکوری بردارم که سه طبقه است. در چنین شرایطی آیا حضور در این جشنواره منطقی است؟ آیا نباید در پرداخت ورودی ها، مسافت و تعداد بازیگران را که طبیعتاً موجب افزایش هزینه ها می شود، در نظر گرفت؟ این تنها مثالی بود برای این که بدانید با گروه های تئاتر مقیم بیرون از تهران چگونه برخورد می شود.»

او ضمن اشاره به این وضعیت، با دور از دسترس خواندن اجرای عمومی در تهران، می پرسد حتی اگر بتواند در سالنی استاندارد برای جانمایی دکورش نوبت اجرا بگیرد، از پس هزینه های اسکان گروهی ۲۰ نفره در تهران دست کم برای یک ماه چگونه بر بیاید؟ نکته پایانی که علی پور به آن اشاره می کند، حضور استان کهگیلویه و بویراحمد با سه اثر در چهل و سومین جشنواره تئاتر فجر؛ نمایش های صحنه ای «بیجن» و «آب برای ماهی ها» و نمایش خیابانی «کلوخ» است. او

تندیس جشنواره را برای مهرداد علی پور، مدالیوم جایزه سرباز وطن را برای رضا گشتاسب و رتبه سوم را برای رسول حق جو به همراه آورد. علی پور که آخرین بار سال ۱۳۹۸ در جشنواره شرکت کرد، پیش از نامزدی نمایشش در سه بخش جشنواره چهل و سوم، شش تجربه نامزدی در این رویداد را پشت سر گذاشته بود؛ دو دوره در بازیگری، یک دوره در طراحی صحنه و سه دوره در موسیقی.

نخستین سوالی که از او می پرسیم وضعیت اجرای عمومی در گچساران بود. او گفت وگو با «هم میهن» را با اشاره به تلاش های امیرحسین نوروزی، ریاست وقت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گچساران که در جشنواره چهل و سوم با نمایش «آب برای ماهی ها» نوشته رضا گشتاسب روی صحنه رفت، آغاز کرد و از دو پلاتوی ساخته شده در ساختمان اداره ارشاد گفت. پلاتوهایی که به گفته علی پور، اگر چه ظرفیتی آن چنانی ندارند و کوچکند اما به صورت مرتب میزبان نمایشنامه خوانی، اجراهای صحنه ای و حتی کنسرت های موسیقی است. هر چند مشکلات ناشی از کوچک بودن عرض، طول و ارتفاع این پلاتوها موجب شد علی پور برای تمرین و اجرای نمایش «بیجن» در گچساران به سالن دبیرستان ماندگار ولایت برود. با این وجود او معتقد است، برای اجرای عمومی نمایش هایی که او «مینیمال» می نامیدشان در این پلاتوها، مشکلی وجود ندارد. گچساران در کنار این دو پلاتو، سه سالن های قاب صحنه ای هم دارد که در اختیار شرکت نفت قرار دارند. سالن هایی که اگر چه گهگاه اجراهایی محدود در آن ها روی صحنه می رود اما بیشتر به عنوان سالن سینما مورد استفاده قرار می گیرند. او با بیان این که اگر چه در گچساران اجراهای عمومی مستمری وجود دارد اما چه بخواهیم و چه نه، جشنواره تئاتر فجر به تنها راه پیش روی اهالی تئاتر مقیم بیرون از تهران برای دیده شدن تبدیل شده است، ادامه می دهد: «درواقع جشنواره، چه برای هنرمندان مقیم بیرون از تهران و چه برای جوانان تهرانی، جوانانی که هنوز نامی نیستند و ابتدای کارند، تنها راه دیده شدن است. در واقع همه این ها به نوعی درگیر جشنواره فجر هستند. گویی گرفتن ریسمان هایی که از جای جای هنر این مملکت آویزان است، برای رسیدن به ریسمان اصلی است که فجر و تندیس آن باشد. تا جایی که نمی توان کارگردان به نامی را در تئاتر کشور سراغ گرفت که حتی اگر اکنون میلی به شرکت در جشنواره ندارد، سابقه کسب دست کم یک جایزه را از این رویداد نداشته باشد.» علی پور از همین جا به مهاجرت اجباری اهالی تئاتر مقیم بیرون از تهران به این شهر نقب می زند و می گوید: «می خواهید چند نفر از هنرمندان تئاتر را برایتان مثال بزنم؟ هنرمندانی که برای دیده شدن ناچار به تغییر محل سکونت و زندگی در تهران شده اند. چرا که می دانستند اگر در شهر خود به مانند نهایت کاری که می توانند انجام دهند، حضور در جشنواره و کسب جایزه است و اگر می خواهند به نامی ماندگار در تئاتر کشور تبدیل شوند، باید در تهران زندگی کنند. در واقع من کارگردان اگر می خواهم دیده شوم حتی شده است گدایی کنم، باید ساکن تهران شوم. این معضلی پیچیده و قابل بحث است که باید مورد توجه قرار بگیرد.»

نکته دیگری که مورد اشاره علی پور قرار می گیرد، نحوه برخورد با اهالی تئاتر مقیم بیرون از تهران هنگام حضورشان در این شهر برای حضور در جشنواره هاست.



نرگس کیانی  
خبرنگار گروه فرهنگ

فریادهای بلندی که پیش از اعلام برنده هر کدام از جوایز چهل و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر نام اهواز، ماهشهر، گچساران، بجنورد، یزد، تبریز، مشهد، اندیمشک، زاهدان، اصفهان، قزوین، یاسوج و... را صدا می زند، غریب شادی ها و زنده بادها شاید کلیدی ترین تصویری بود که در ذهن حاضران در تالار وحدت در شامگاه شنبه ۱۳ بهمن ماه ۱۴۰۳ به جا ماند. فریادهایی که بیش از هر چیز یادآور اهمیت جشنواره تئاتر فجر برای اهالی تئاتر مقیم بیرون از تهران است. جشنواره ای که به رغم تمام انتقادات بحق از سوی هنرمندان به آن و پیچیدگی ها و چرخش هایی که هر سال در انتخاب آثار استانی ایجاد می کند، هم چنان یکی از تنها مفراهی این هنرمندان برای دیده شدن و در ذهن ماندن نام شان است.

دیده شدنی که می تواند در نهایت به رویای اجرای عمومی در تهران جامه عمل بپوشاند و دست آخر ناگزیری حضور دائم در تهران را برای ماندگاری در عرصه تئاتر کشور یادآور شود. این مسیری است که تا به حال نام های بسیاری آن را پیموده اند، هر چند هستند کسانی که در جشنواره می درخشند و در تهران اجرای عمومی می روند ولی هنوز ساکن شهری اند که در آن به دنیا آمده، بزرگ شده و نخستین روزهای آشنایی شان با صحنه را سپری کرده اند. گلایه های اهالی تئاتر مقیم بیرون از تهران نه کم است، نه ناهق؛ گلایه از نبود امکانات آموزشی و به تبع پیشرفتی که به رغم وجود استعداد های غیر قابل انکار حاصل نمی شود. گلایه از کمبود سالن های استاندارد برای اجرای عمومی. گلایه از کمیت معیشتی که می نلگد و تئاتری که دخلش با خرجش نمی خواند. آن چه در ادامه می خوانید نخست گفت وگویی است با سه نفر از کارگردانانی که در چهل و سومین جشنواره تئاتر فجر درخشیدند؛ مهرداد علی پور، محمد جوهری و احسان دبیر. کارگردانانی که نام شهرهایشان؛ گچساران، ماهشهر و مشهد بارها و بارها زیر سقف تالار وحدت طنین انداز شد. در پایان نیز نگاهی کرده ایم به کارنامه یکی از کارگردانان مقیم اهواز، مجتبی رستمی فر که در جشنواره چهل و سوم با نمایش «لام» روی صحنه رفت. «لام» موفق به کسب لوح تقدیر در بخش طراحی نور، تندیس جشنواره برای طراحی صدا، همچنین تندیس جشنواره در بخش کارگردانی شد. رستمی فر نمونه ای است از هنرمندی مقیم بیرون از تهران که در جشنواره دیده شد و به رغم تمام دشواری ها در تهران اجرای عمومی رفت و همچنان در شهر خود، اهواز مشغول به کار است.

معضل مهاجرت به تهران برای تبدیل شدن به نامی ماندگار

«بیجن» به نویسندگی رضا گشتاسب و کارگردانی مهرداد علی پور از گچساران، نمایشی بود که موجب شنیده شدن چندین باره نام استان کهگیلویه و بویراحمد در اختتامیه چهل و سومین جشنواره تئاتر فجر شد. «بیجن» که در سه بخش موسیقی، نمایشنامه نویسی و پوستر نامزد شده بود، به ترتیب،

نمایش استرالیا/عکس: عارف ساریان